

مقدمہ امی پر

شہ
فقہ
شہ

کلیات و کتابتہا

تالیف

حسین علی رسی طباطبائی

ترجمہ

محمد آصف فکرت



مشخصات:

مقدمه ای برفقه شیعه (کلیات و کتابشناسی)	نام کتاب:
سید حسین مدرسی طباطبائی	مؤلف:
محمد آصف فکرت	مترجم:
بنیاد پژوهش‌های اسلامی - مشهد، صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۳۵	ناشر:
۳۰۰۰ نسخه	تیراژ:
۱۳۶۸	تاریخ انتشار:
مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی	امور فنی و چاپ:

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه	
۷	یادداشت مؤلف
۹	قسمت اول: ساختمان کلی فقه شیعه
۱۱	فصل اول: مکتب فقهی شیعه و مبانی آن
۱۴	فصل دوم: کلیاتی در باب اصول فقه
۲۰	فصل سوم: رؤوس مطالب فقه
۲۹	فصل چهارم: ادوار فقه شیعه
۶۳	قسمت دوم: بخشی از اهم منابع فقه:
۶۷	اهم آثار در فقه استدلالی
۳۷۷	چند نمونه از رسائل عملیه
۴۰۷	مآخذ کتاب و مشخصات کتابخانه ها و فهارس
۴۲۵	فهرستها

یادداشتی از مؤلف بر ترجمه فارسی

کتابی که برگردان فارسی آن را اکنون در دست دارید به منظور آشنا ساختن خوانندگان با کلیاتی درباب فقه شیعی تدوین گردیده است. این نوشته در دو بخش است: در بخش نخست وصفی به اجمال از محتوای فقه و اصول فقه شیعی انجام شده، و تحولات آن از نظر تاریخی به اختصار مورد بحث قرار گرفته است. در بخش دوم نام و مشخصات قسمتی از منابع فقهی که مراجعه بدان برای هر بررسی و تحقیق علمی پیرامون مسائل فقهی لازم است به دست داده شده است.

انگیزه اصلی تحریر این اثر در زبان انگلیسی پرکردن خلاء چشمگیری بود که در فرهنگ حقوقی غرب نسبت به نظام حقوقی شیعی وجود داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که به طرز بی سابقه‌ای افکار جهانیان به سوی مکتب تشیع وزیربنای فکری و محتوای فرهنگی آن جلب شد، به خاطر فقدان منابع لازم در زبانهای اروپایی در این زمینه، احساس نیاز مبرم به آثاری از این دست فزونی گرفت. خلا معلومات در این مورد آن قدر زیاد بود که فی‌المثل در «کتابشناسی فقه اسلام» که توسط یکی از متخصصان حقوق اسلامی در غرب تدوین شده و مشتمل بر نام و نشان ۳۰۵ منبع از منابع فقهی اسلامی به زبان عربی است، در لیست منابع فقه شیعه اثناعشری تنها دو کتاب (شرایع الاسلام و مختصر نافع) نام برده شده است. بگذریم که مذهب خوارج اباضی رانیز شاخه‌ای از تشیع دانسته و آن را ذیل مکاتب فقه شیعه قرار داده‌اند.

این کمبود و خلأ نویسنده را که از شیفتگان نظام فقاہت و مکتب حقوقی شیعی است بر آن داشت که به عنوان نخستین گام برای معرفی این نظام پیشرفته و

قویم و مستحکم علمی، که از دست آورده‌های عظیم فکر و اندیشه حقوقی بشری است اثری فشرده در اختیار خوانندگان و علاقمندان مباحث حقوقی قرار دهد، که در آن خطوط اصلی این مکتب نشان داده شده و فهرستی از منابعی که یک پژوهنده آشنا به زبانهای شرقی می‌تواند از آنها برای یک کار تحقیقی پیرامون این مکتب استفاده کند در دسترس بگذارد. کتاب حاضر محصول آن فکر بود. امید است که برگردان فارسی آن نیز برای علاقمندان فارسی زبان این رشته از تحقیقات سودمند باشد.

حسین مدرسی طباطبائی

قسمت اول

ساختمان گلی فقہ شیعہ

مکتب فقهی شیعه و مبانی آن

تشیع به مثابه یک مکتب عقیدتی در اسلام، گرایشی خاص براساس یک سلسله نظرات و تحلیلات کلامی و تاریخی است. حدیث «ثقلین» که وسیله محدثان شیعی و سنتی از پیامبر روایت شده، و وی براساس آن مسلمانان را پس از خود به پیروی از قرآن و خاندان خویش فراخوانده بود، همراه تعدادی دیگر از روایات نبوی، ریشه اصلی این گرایش را که بعداً با استدلالات کلامی و فلسفی و تاریخی تقویت گردید تشکیل می داد.

در مباحث مذهبی، مکتب شیعی نظرات خود را عموماً از رهنمودهای بزرگان و ائمه اهل بیت پیامبر الهام گرفته است. اختلاف اصلی دو مکتب فقهی سنتی و شیعی در کیفیت تلقی سنت نبوی و منابع فقه است. اهل سنت، حدیث نبوی را از طریق صحابه پیامبر اخذ نموده اند، در حالی که شیعه این حدیث را از طریق خاندان وی به دست آورده است. از سوی دیگر مذاهب فقهی اهل سنت دنباله رو نظرات فقهی چندتن از فقهاء مدینه و عراق اند، لیکن مذاهب فقهی شیعی تابع نظرات امامان اهل بیت هستند که از آن میان مکتب شیعی دوازده امامی که عمده ترین نحله شیعی است از آراء امامان دوازده گانه مشهور خود به خصوص امام ششم ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق پیروی می کند و به همین جهت به «جعفری» نیز شهرت دارد.

قرآن، حدیث، اجماع و عقل منابع فقه شیعه را تشکیل می دهند^۱.

۱ - منابع مشترک فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و قیاس. برخی از مذاهب مزبور پاره ای منابع دیگر را نیز به این لیست افزوده اند (زرقاء: ۱، ۳۱ و ۴۷ / عبدالوهاب خلاّف، علم اصول الفقه: ۲۲) مقصود از قیاس سرایت دادن حکم یک موضوع است به موضوع مشابه براساس کشف و استنتاج احتمالی علت، بدون دستیابی بر علت واقعی و قطعی حکم. این کاربرد برابر است با «تمثیل» منطقی که در استدلالات عقلی و فلسفی آن راجح نیست نمی دانند و نه با «قیاس» منطقی که کاشف قطعی علت، و در استدلالات عقلی معتبر و حجّت است. قیاس به خاطر آن که دلیلی قطع آور نیست در اصول فقه شیعه به صورت یک منبع فقه شناخته نمی شود.

قرآن در همین شکل و مفاد ظاهری خود حجت، و شکل دهنده روح حاکم برفقه شیعی است. حدیث یعنی گفتار و کردار و تقریر پیامبر یا امام، باید با وسائط موثق و معتبر رسیده باشد که البته در این مورد وضع مذهبی راوی تأثیری ندارد. حدیثی که وسیله یک غیر شیعی راستگون نقل شده باشد به همان اندازه معتبر و مورد عمل است که حدیث شیعی راستگو.

اجماع یعنی وحدت نظر همه دانشمندان شیعی در یک موضوع، به خودی خود حجت نیست لیکن گاه به تفصیلی که در کتابهای اصول فقه هست از راه آن «سنت» به اثبات می رسد.

مراد از عقل به عنوان یک منبع برای حقوق شیعی^۲ احکام قطعی عقل نظری و عقل عملی است، چنان که در خوبی عدالت و بدی ستم^۳. در تعالیم اسلامی قاعده ای است که به مقتضای آن هر آن چه عقل بدان حکم کند شرع نیز برابر آن حکم خواهد نمود و از این رو، در این گونه موارد بر حکم این قاعده که «قاعده ملازمه» خوانده می شود حکم شرعی از حکم عقلی ناشی و استنتاج خواهد شد^۴. تلازم میان وجوب چیزی با وجوب مقدمات آن، یا میان امر به چیزی با نهی از ضد آن، هم چنین این که امر و نهی در یک مورد نمی تواند جمع شود (که همه از مسائل علم اصول فقه و منشاء آثار و احکام فقهی است) همه از قبیل همین احکام عقلی است.

از این میان، منبع دوم یعنی احادیث وارده از پیامبر و امامان اهل بیت که مهم ترین منبع فقهی شیعی است در مجامعی خاص گردآوری شده و مشهورترین آنها که مرجع فقهاء است عبارت است از:

- ۱) کتاب الکافی، از محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹).
- ۲) کتاب من لایحضره الفقیه، از محمد بن علی بن بابویه قمی، صدوق (م ۳۸۱).
- ۳) تهذیب الاحکام، از محمد بن حسن طوسی، شیخ الطائفه (م ۴۶۰).
- ۴) الاستبصار، از همو.

۲- پس از این خواهیم دید که عقل در حقوق شیعی همچنین به عنوان ابزار فکر، اساس کار و مورد استفاده است که البته مقصود از عقل در این مورد، استدلال عقلی و شیوه تحلیل منطقی است.

۳- ببینید محقق حلی، المعتمد: ۶/ شهید اول، ذکری: ۵/ همو، قواعد: ۲۵/ مقداد، التنقیح الزائع: ۲-۳ و صاحب مدارک، هدایة الطالبین: ۷-۱۱ ر/ قطیفی، کشف الفوائد: ۱۳۰.

۴- برخی دانشمندان متأخر شیعی معتقدند که عقل یک منبع بالقوه برای فقه شیعی است نه یک منبع بالفعل، به این معنی که اگر چه بر اساس ضوابط علم اصول فقه عقل بتنهایی می تواند حکمی فقهی را کشف کند و ما را به یکی از احکام و تکالیف مذهبی راهنمایی نماید، لیکن این مطلب عملاً در هیچ موردی اتفاق نیفتاده و تمامی احکام شرعی که بر اساس احکام قطعی عقل مجرد انسانی قابل کشف است در همان حال در قرآن و سنت، مورد راهنمایی قرار گرفته و با دلیل شرعی (سمعی) بیان شده است (ببینید محمد باقر الصدر، الفتاوی الواضحة ۱: ۹۸).

- (۵) الوافی، از محمد محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۰).
- (۶) وسائل الشیعة، از محمد بن حسن حرّعاملی (م ۱۱۰۴).
- (۷) بحار الانوار، از محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م ۱۱۱۰).
- (۸) مستدرک الوسائل، از حسین بن محمد تقی نوری (م ۱۳۲۰).
- از این جمله، چهار کتاب نخست به عنوان «کتب اربعه» شناخته شده و در فنّ حدیث شیعی از اهمیتی همانند «صحاح سته» نسبت به مجامیع حدیثی اهل سنت برخوردار است. متداول ترین کتاب از فهرست بالا در مراجعات فقهی، کتاب وسائل الشیعة است که جامع احادیث چهار کتاب نخست (کتب اربعه) و بسیاری از کتابهای حدیث دیگر است، و چون منحصر به روایاتی است که در مباحث فقهی رسیده است کتاب دستی برای مراجعه هر فقیهی است.
- استناد به روایات این مجامیع تابع وجود شرایط خاصی است^۵. وثاقت و راستگویی همه راویان سلسله سند یک حدیث باید به ثبوت رسیده باشد. دانشی خاص به نام علم رجال که درباره روایات حدیث و شرح حال آنان بحث می کند متکفل این کار است. احادیث از نظر مقدار اعتبار و سندیت بر اساس ضوابط مخصوصی که در علمی دیگر به نام علم درایه مورد بحث قرار گرفته است به انواع و رده های مختلفی تقسیم می شود^۶ و بر همین اساس، بسیاری از روایات متون ذکر شده از نظر فقهاء ضعیف و غیر قابل استناد است.
- استخراج احکام شرعی از منابع یاد شده بر اساس قواعد و ضوابطی که در علم اصول فقه بیان شده است به کمک استدلال عقلی و با روش تحلیل منطقی انجام می پذیرد که نام آن در اصطلاح اسلامی «اجتهاد» است. از نظر اصول تعالیم شیعی امکان اجتهاد همواره برای دانشمندان وجود دارد و هر فقیه الزاماً باید در برخورد با مسائل، دلایل و مستندات هر مسأله را شخصاً ملاحظه کرده و در مورد آن نظر بدهد. تقلید و پیروی یک مجتهد از مجتهد دیگر در مسائل شرعی حرام است.

۵ - ببینید شهید دوم، الذریعة: ۶۲-۸۱ / ابوالقاسم بن حسن یزدی ۱: ۴۴-۶۱.

۶ - ببینید شهید اول، الذکری: ۴ / ابن فهد، المهذب: ۲ / مقداد، تنقیح: ۳ / کرکی، طریق استنباط الاحکام: ۱۰ / شهید دوم، الذریعة: ۱۹-۶۱ / حسین بن عبدالصمد، وصول الاخیار: ۲۰-۵۶ / صاحب مدارک، هداية الطالبین: ۵ / بهاء الدین عاملی، الوجیزه: ۴-۵ / همو، مشرق الشمسین: ۲۶۹ / میرداماد، الرواشح السماویة: ۱۱۵-۲۰۴ / بهبهانی، تعلیقات منهج المقال: ۵-۹ / ابوالقاسم بن حسن یزدی ۱: ۳-۴۴ / مامقانی، مقباس الهدایة: ۳۵-۱۰۵.

کلیاتی درباب اصول فقه

استنباط و کشف حکم شرعی و فقهی از منابع یادشده پیش، که گاه در برخی موارد با یکدیگر متضاد و متعارض نیز هستند دارای نظام و سیستم خاصی است که در واقع منطق فقه است، و در اصطلاح علم اصول فقه خوانده می شود. این علم مجموعه اصول و ضوابطی کلی است برای به دست آوردن حکم مسائل فقهی از منابع آن. بسیاری از این اصول و ضوابط از علوم دیگر مانند منطق و فلسفه و لغت و کلام گرفته شده، و برای استفاده در یک مسیر مشخص به ترتیبی خاص با یکدیگر ترکیب، و به شکلی ویژه منسجم گردیده اند.

در دوره های نخست اسلامی، رسائی در این فنّ وسیله شیعیان اولیه نوشته شده بود که یاد آن در مصادر آمده^۷، لیکن قدیم ترین اثری که در این باب از دانشمندان شیعی در دست است عبارت است از کتاب «التذکره باصول الفقه» تألیف شیخ مفید، محمد بن محمد بن التعمان البغدادی (م ۴۱۳) که کراچکی تلخیصی از آن را در کتاب کنزالفوائد خود درج نموده است^۸.

پس از آن کتاب بزرگی در اصول فقه از شریف مرتضی علی بن الحسین الموسوی (م ۴۳۶) در دست است به نام الذریعة الی اصول الشریعة^۹. کتاب مشهور شیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسی به نام عدّة الاصول^{۱۰} مشهورترین کتاب اصولی است که از آن قرن به جای مانده و مدتها در

۷- ببینید تأسیس الشیعة لفنون الاسلام از سید حسن صدر: ۳۱۰-۳۱۲. پس از این خواهیم دید که یک گروه از فقهاء شیعی صدراؤل و معاصرانته، قواعد اصولی را برای استنباط احکام فقهی به کار می بسته اند

۸- کنز الفوائد: ۱۸۶-۱۹۴. نیز ببینید دیباچه عدّة شیخ (ص ۲) و یادنامه شیخ طوسی ۳: ۳۷۲.

۹- چاپ تهران - ۱۳۴۶/۴۸ ش در دومجلد. اودر کتاب الذخیره خود نیز که در اصول عقائد (کلام)، و نسخ متعددی از آن در دست است مبحث خبر واحد از علم اصول را بسیار دقیق و محققانه طرح و بحث می کند که در عدّة شیخ طوسی (ص ۳۴-۳۷) نیز نقل شده است.

۱۰- چاپ تهران ۱۳۱۳/۱۴ و بمبئی ۱۳۱۲/۱۸.

حوزه‌های علمی شیعی متن درسی بوده است.

یکی دیگر از مصادر اصلی فن از این ادوار، بخش اصول فقه از کتاب الغنیة سید ابوالمکارم ابن زهره حلبی (م ۵۸۵) است.^{۱۱} کتاب المصاדר فی اصول الفقه سدیدالدین محمود حمّصی - دانشمند و متکلم شیعی نیمه دوم قرن ششم - به دست ما نرسیده^{۱۲}، لیکن بندهایی از آن در کتاب السرائر ابن ادریس هست^{۱۳}. پس از آن معارج الاصول محقق جعفر بن الحسن الحلّی (م ۶۷۶)، و سپس آثار اصولی علامه حسن بن یوسف بن المطهر الحلّی (م ۷۲۶) مانند تهذیب الاصول، مبادی الوصول و نهاية الوصول این علم را با تحولاتی تازه همراه ساخت.

پس از این دوره کارهای بسیاری از جانب دانشمندان شیعی به صورت تحشیه و شرح بر آثار علامه در اصول فقه انجام گرفت، که فهرست برخی از آنها در الذریعة^{۱۴} هست و از مشهورترین آنهاست شروح ضیائی و عمیدی^{۱۵} که در پیشبرد علم اصول فقه نقشی قابل توجه داشته است. شهید اول شمس الدین محمد بن مکی العاملی (م ۷۸۶) این دو شرح را در کتابی با نام جامع البین گردآورد و خود نیز مطالبی سودمند بر آن افزود^{۱۶}.

حسن بن زین الدین العاملی فقیه مشهور آغاز قرن یازدهم (م ۱۰۱۱) با تألیف متنی مرتب و پاکیزه در علم اصول فقه به عنوان مقدمه‌ای بر کتاب معالم الدین خود، راه را برای بحثهای متمرکز بر روی مباحث اصول فقه به شکل تحشیه و شرح گشود، و این گونه بحثها به سبب همین تمرکز و اظهار نظرها و نقد و ایرادهای دانشمندان در مورد واحد، با توجه به اظهارات و آراء دیگر در همان جا، در پیشبرد اصول فقه بسیار مؤثر افتاد. دقیق‌ترین نظرات علمی در این باب در قرن یازدهم وسیله سلطان العلماء حسین بن رفیع الدین محمد مرعشی مازندرانی (م ۱۰۶۴) یکی از حاشیه نویسان بر معالم ابداع و اظهار گردیده است. زبده تألیف بهاء الدین محمد عاملی (م ۱۰۳۰) و وافیة تألیف عبدالله بن محمد تونی (م ۱۰۷۱) از متون مشهور اصولی قرن مزبور است.

در قرن دوازدهم اخباریگری که دشمن سرسخت علم اصول فقه بود به مرور بر محیط مذهبی

۱۱ - چاپ شده در مجموعه الجوامع الفقهیة (تهران - ۱۲۷۶): ۵۲۳-۵۴۹.

۱۲ - ذریعة ۲۱: ۹۵.

۱۳ - السرائر: ۴۰۹ - ۴۱۰.

۱۴ - ج ۶، ص ۵۴-۵۵/ج ۱۳: ۱۶۵-۱۷۰/ج ۱۴: ۵۲-۵۴.

۱۵ - یعنی منیة اللیب از ضیاء الدین عبدالله بن مجدالدین محمد الاعرجی الحسینی، و شرح التهذیب از عمیدالدین عبدالمطلب بن مجدالدین محمد الاعرجی الحسینی، خواهرزادگان علامه حلّی که هر دو برادر از دانشمندان میانه قرن هشتم بوده‌اند (ذریعة ۱۳: ۱۶۸).

۱۶ - ذریعة ۵: ۴۳ - ۴۴.